آداب زیارت مسجد نبوی

**عبدالله حیدری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | آداب زیارت مسجد نبوی | | | |
| **تألیف:** | عبدالله حیدری | | | |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی - مساجد و خطبه‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc436294738)

[زیارت مسجد نبوى 1](#_Toc436294739)

[آداب زیارت مسجد: 2](#_Toc436294740)

[آداب سلام به حضرتش: 3](#_Toc436294741)

[زیارت زنان: 4](#_Toc436294742)

[بعضی بدعت‌ها: 6](#_Toc436294743)

[طلب شفاعت: 6](#_Toc436294744)

[کدام حیات؟ 8](#_Toc436294745)

[از آداب قرآنی: 9](#_Toc436294746)

[تمسک به سنت: 10](#_Toc436294747)

[روایت امام زین العابدین**س**: 11](#_Toc436294748)

[باز هم بدعت: 11](#_Toc436294749)

[سلام از راه دور: 12](#_Toc436294750)

[نسخه امام مالک**/**: 12](#_Toc436294751)

[حکم زیارت: 13](#_Toc436294752)

[شخصیت‌پرستی: 14](#_Toc436294753)

[روایات جعلی: 15](#_Toc436294754)

[رأی محققین: 15](#_Toc436294755)

زیارت مسجد نبوى

زیارت مسجد نبویص قبل از حج یا بعد از حج سنت است به دلیل حدیثی که أبوهریرهس در صحیحین روایت می‌کند که پیامبرص فرمودند: «صَلاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيرُ مِنْ أَلْفِ صَلاةٍ، فِيمَا سِوَاهُ إِلا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». «یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام».

و از ابن عمرب روایت است که پیامبرص فرمودند: «صَلاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلاةٍ، فِيمَا سِوَاهُ إِلا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»[[1]](#footnote-1). «یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام».

و از عبدالله بن زبیرب روایت است که رسول اللهص فرمودند: «صَلاَةٌ فِى مَسْجِدِى هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلاَةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلاَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلاَةٌ فِى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أفضل مِنْ مِائَةِ صَلاَةٍ فِى مَسْجِدِى هذا»[[2]](#footnote-2).

«یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است بجز مسجد الحرام و نماز در مسجد الحرام بهتراز صد نماز در این مسجد من است».

و از جابرس روایت است که رسول اللهص فرمودند:

«صَلاَةٌ فِى مَسْجِدِى هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلاَةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلاَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلاَةٌ فِى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أفضل مِنْ مِائَةِ صَلاَةٍ فِيمَا سِوَاهُ»[[3]](#footnote-3).

«یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام و یک نماز در مسجدالحرام بهتر از صدهزار نماز در غیر آن است».

أحادیثی که در این معنی آمده بسیار است.

آداب زیارت مسجد:

هرگاه زائر به مسجد رسید و خواست داخل شود مستحب است که پای راست خودش را جلو بگذارد و بگوید:

«بسم الله وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ على رسول الله أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». (یا مختصر بگوید: «بسم الله وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ على رسول الله اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» این همان دعایی است که در هنگام ورود به هر مسجدی خوانده می‌شود بنابراین مسجد حضرتشص دعای مخصوص ندارد، آنگاه دو رکعت نماز می‌گذارد، و سپس دعا می‌کند وهر چه خواست از خیر دنیا و آخرت از خدا می‌طلبد، اگر این دورکعت را در روضه شریفه بخواند بهتر است، زیرا رسول خداص فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِى وَمِنْبَرِى رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». «بین خانه و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است».

آداب سلام به حضرتش:

آنگاه پس از نماز و دعا قبر پیامبرص و قبر دو یار با وفایش ابوبکر و عمرب را زیارت می‌کند به این ترتیب که مقابل قبر حضرتص با ادب می‌ایستد و با صدای آهسته سلام می‌کند: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» چنان‌که در سنن أبوداود با سند حسن از أبو هریرةس

روایت است که رسول اللهص فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلاَّ رَدَّ اللَّهُ إِلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلامَ». «هیچ کسی نیست که بر من سلام بفرستد مگر اینکه خداوند روح مرا به من باز می‌گرداند تا اینکه سلام او را جواب دهم».

اگر زائر در سلامش بگوید: «السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا خيرة الله من خلقه، السلام عليك يا سيد الـمرسلين وامام الـمتقين، أشهد انك قد بلغت الرسالة وأديت الأمانة ونصحت الأمة وجاهدت في الله حق جهادة» اشکالی ندارد، زیرا همه این‌ها از صفات حضرتشص است. سپس به حضرتش درود می‌فرستد و دعا می‌کند، اینکه یکجا درود و سلام می‌خوانیم چون در شریعت ثابت شده چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا﴾ [الأحزاب: 56]. «ای مؤمنان شما نیز به پیامبر درود بفرستید و چنان‌که باید سلام گوئید».

سپس به ابوبکر و عمرب سلام می‌کند و برایشان دعا نموده و از خداوند طلب رضایت و خوشنودی می‌نماید.

حضرت ابن عمرب هنگامی که بر پیامبرص و دو یارشان سلام می‌کرد می‌فرمود: «السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا أبابكر والسلام عليك يا أبتاه». بیشتر از این چیزی نمی‌گفت و به راهش می‌رفت.

زیارت زنان:

این زیارت فقط برای مردان جایز است، برای زنان زیارت هیچگونه قبری جایز نیست، چنان‌که از پیامبرص ثابت شده که فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ مِنَ النَّساء وَالْمُتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ».. «خداوند لعنت کند زنانی را که بسیار زیارت قبر می‌کنند - احادیث دیگری زنان را زیارت قبر منع گردیده‌اند- کسانی که بر قبر‌ها سازند و چراغ روشن می‌کنند». و اما به قصد نماز خواندن در مسجد پیامبرص و دعا کردن در آن و دیگر اعمالی که در سایر مساجد مشروع است، به مدینه رفتن برای همه جایز است،چنان‌که در احادیث قبل ذکر شد . همچنین سنت است که زائر نماز‌های پنجگانه را در مسجد پیامبرص بخواند،و اینکه فرصت را غنیمت بشمارد و به سبب پاداش عظیمی که دارد در آن ذکر و دعا ونماز‌های نفلی به کثرت بخواند.

همچنین مستحب است که در روضه شریفه نماز نفل زیاد بخوانید، بدلیل حدیث صحیحی که در فضیلت آن ذکر شد. «مَا بَيْنَ بَيْتِى وَمِنْبَرِى رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».

فضیلت صف اول:

و أما نماز‌های فرض را چه زائر و چه غیر زائر همه باید بکوشند که حتی الامکان در صف‌های اول بخوانند حتی اگر در بخش‌های اضافه شده به مسجد در جهت قبله‌اش باشد زیرا احادیث صحیح زیادی آمده که به صف اول ترغیب وتشویق نموده است . مثل این فرموده رسول اللهص: «لَوْ يَعْلَمِ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلاَّ أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لاسْتَهَمُوا». [متفق علیه] «اگر مردم بدانند که اذان دادن وصف اول چقدر ثواب دارد و ببننند که جز با قرعه کشی بدست نمی‌آید حتما قرعه کشی خواهند کرد». و این فرموده رسول اکرمص که به أصحاب‌شان فرمودند: «تَقَدَّمُوا فَأْتَمُّوا بِي وَلْيَأْتَمَّ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَزَالُ قَوْمٌ يَتَأَخَّرُونَ حَتَّى يُؤَخِّرَهُمْ اللَّهُ». [صحیح مسلم]. «جلو بیایید، و به من اقتداء کنید و کسانی که بعد از شما هستند به شما اقتدا کنند - یعنی صفهایشان متصل به شما باشد - انسان همچنان خود را ازنماز عقب می‌کشد تا آنکه خداوند او را عقب می‌اندازد»

و أبوداود از -ام المؤمنین- عایشةل به سند حسن روایت می‌کند که پیامبرص فرمودند: «لايزال الرجل يتأخر عن الصف الـمقدم حتى يؤخره الله في النار». «شخص همچنان از صف جلو خود را عقب می‌‌کشد تا اینکه خداوند او را به جهنم می‌کشاند».

همچنین از حضرتشص ثابت شده است که به اصحابشان فرمودند: «أَلاَ تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلاَئِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا. فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تَصُفُّ الْمَلاَئِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا قَالَ: يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الأُوَلَ وَيَتَرَاصُّونَ فِى الصَّفِّ». «آیا مانند فرشتگان که در حضور پروردگارشان صف می‌بندند، صف نمی‌بندید؟ گفتند:‌ای رسول خدا! مگرفرشتگان که در حضور پروردگارشان چگونه صف می‌بندند، فرمودند: صف‌های جلو را پر می‌کنند و در صف، راست ونزدیک به هم می‌ایستند».

احادیث در این باب بسیار است، این فضیلیت(صف اول) شامل همه مساجد می‌شود کما اینکه شامل بخش‌های اضافه شده به مسجد النبی نیز می‌شود.

کدام أفضل است؟:

همچنین از رسول خداص ثابت شده که ایشان اصحابشان را ترغیب می‌کردند که به سمت راست صف بایستند. و مشخص است که در مسجد قدیم سمت راست صف خارج از روضه شریفه است، پس معلوم می‌شود که اهمیت دادن به صف‌های جلو وسمت راست مقدم است بر اهمیت روضه شریفه و اینکه محافظت براین دو، أولی و أفضل از محافظت بر نماز در روضه شریفه است، برای کسی که در احادیث وارده در این باب دقت کرده باشد مسئله واضح و روشن است البته توفیق از جانب خدا است.

بعضی بدعت‌ها:

بوسیدن: برای هیچکس جایز نیست که به حجره شریفه دست بکشد یا آن را ببوسد یا اینکه به دور آن طواف کند، زیرا این امور از سلف صالح نقل نشده بلکه انجام چنین اعمالی بدعت ناپسندیده است، و برای هیچکس جایز نیست که از رسول خداص بخواهد که حاجتش را بر آورده یا مشکلش را حل کند یا مریضش را شفا بخشد و از این قبیل أمور، زیرا همه اینگونه مسائل جز خداوند توانا و بی‌نیاز از هیچ کسی خواسته نمی‌شود، و خواستن و طلب کردن چنین أموری از مردگان شرک و پرستش غیر خدا بشمار می‌آید.

دین اسلام بردو اصل استوار است، اول اینکه جز خدای یگانه هیچ‌کس یا چیزی پرستیده نشود، دوم اینکه این پرستش جز به طریقه‌ای که پیامبرص مشروع فرموده انجام گیرد.

و این همان معنای لا اله الا الله محمد رسول الله است.

طلب شفاعت:

کما اینکه جایز نیست که کسی از پیامبرص طلب شفاعت کند زیرا شفاعت ملک خدا و در اختیار اوست و از غیر او نمی‌توان آن را طلب کرد، چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗا﴾ [الزمر: 44]. «بگو تمام شفاعت‌ها خاص خداست». بله می‌توانید بگوئید: خدایا! پیامبرت را شفیع من بگردان، خدایا! فرشتگانت را شفیع من بگردان، و بنددگان مؤمنت را شفیع من بگردان، خدایا فرزندانم را شفیع من بگردان. (در اینجا لفظ «أفْراط» آمده که منظور بچه‌های کم سنی است که در خورد سالی وفات می‌کنند.)

و از این قبیل جملات و اما مردگان، هیچ چیزی از آنان خواسته نمی‌شود، نه شفاعت و نه غیر آن، چه پیامبران باشند و چه غیر پیامبران، زیرا این عمل جایز نیست، و مرده تمام اعمالش قطع می‌شود مگر چیزی که شارع استثناء فرموده است. و در صحیح مسلم از أبوهریرة روایت شده که رسول اللهص فرمودند: «إذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». «هرگاه انسان بمیرد عملش منقطع می‌شود مگر سه چیز : صدقه جاریه، یا علمی که از آن سود برده شود، یا فرزند نیکی که برایش دعا نماید». اینکه از پیامبرص قبل از وفات و در روز قیامت طلب شفاعت جایز است زیرا که ایشان توانایی آن را دارند و می‌توانند از پروردگارشان برای طالب آن بخواهند، در دنیا که معلوم است و این خاص به ایشان نیست بلکه عام است هم برای ایشان هم برای دیگران، بنابراین بنده مسلمان جایز است که به برادر مسلمانش بگوید برای من نزد پروردگارم شفاعت کن یعنی برایم دعا کن، و کس که چنین چیزی از او خواسته شده اگر خواسته او مباح باشد جایز است که از خدا بخواهد و برای او نزد خداوند شفاعت یا سفارش کند.

اما در روز قیامت هیچ کس بدون اجازه خداوند متعال نمی‌تواند شفاعت کند چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِه﴾ [البقرة: 255].

«کیست که شفاعت کند در نزد او مگر با اجازه او».

و اما حالت مرده، حالت خاصی است و جایز نیست که این حالت را به قبل از مردن ویا پس از برانگیخة شدن در روز قیامت قیاس کنیم، زیرا أعمال انسان پس از مردن قطع می‌شود او فقط در گرو اعمالی است که انجام داده مگر آنچه که شریعت استثناء کرده است، و طلب شفاعت از مردگان از اعمالی نیست که شریعت آن را استثناء کرده باشد.

کدام حیات؟

شکی نیست که پیامبرص پس از وفاتشان به حیات برزخی زنده هستند که از حیات شهداء کامل‌تر است ولی مانند حیات بیش از موت یا حیات روز قیامت ایشان نیست بلکه زندگی‌ای است که کیفیت و چگونگی آن را غیر از خداوند متعال هیچگس نمی‌داند، لذا فرموده حضرتشص در حدیث شریف گذشت: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلاَّ رَدَّ اللَّهُ إِلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلامَ». این دلیل آشکار است که ایشان مرده‌اند و روح از بدنشان جدا شده است، اما هنگام سلام روحشان باز گردانیده می‌شود، نصوصی که از قرآن و سنت بر موت ایشان دلالت دارد روشن است و این امر در بین علماء محل اتفاق است، اما این امر مانع از حیات برزخی ایشان نیست کما اینکه موت شهداء مانع حیات برزخی آنان نیست که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ١٦٩﴾ [آل‌عمران: 169].

«کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه آنان زنده‌اند نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

در این مسئله سخن بطول انجامید و چنین چیزی لازم بود، چون بسیارند کسانی که در این باب اشتباه می‌کنند و به جای آنکه خدا را بخوانند مردم را به شرک و پرستش مردگان دعوت می‌کنند. برای خودمان و برای سایر مسلمین از خدا می‌خوهیم که از آنچه با شریعتش مخالف است ما را سلامت و محفوظ بدارد . و خدا داناتر است.

از آداب قرآنی:

و أما آنچه که بعضی زائران انجام می‌دهند که در کنار قبر حضرتشص صدایشان را بلند می‌کنند یا خیلی زیاد در آنجا می‌ایستند این اعمال جایز نسیت، زیرا خداوند متعال امت را از اینکه صدایشان را بالاتر از صدای پیامبرص بلند کنند و از اینکه با ایشان مانند یکدیگر با صدای بلند صحبت کنند، منع فرموده و آن‌ها را ترغیب نموده که در نزد ایشان آوازشان را آهسته کنند می‌فرماید: ﴿ياأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ٣﴾ [الحجرات: 2-3].

«أی مؤمنان صداهایتان را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و درسخن گفتن با او مانند حرف زدنتان با یکدیگر بلند حرف نزنید که مبادا اعمالتان نابود گردد و شما آگاه نشوید بیگمان کسانی که صداهایشان را نزد رسول خدا آهسته می‌کنند اینانند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا آزموده است، برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است».

و دیگر اینکه در کنار قبر حضرتشص زیاد ایستادن و مکرر سلام کردن منجر به شلوغ شدن و سر و صدای زیاد و آواز‌های بلند در کنار قبر شریف ایشانص می‌گردد و این امر با آنچه خداوند در آیات مذکوره برای مسلمین مشروع قرار داده مخالف است، و احترام حضرتش همچنان‌که در حال حیات واجب است پس از وفات نیز واجب است،بنابر این برای بنده مسلمان شایسته نیست که در کنار قبر ایشان عملی انجام دهد که مخالف آداب شرعی باشد.

تمسک به سنت:

کما اینکه بعضی زائران یا حتی غیر زائران برای دعا قبر حضرتش را انتخاب می‌کنند و رو به طرف قبر می‌ایستند و دستانشان را بلند کرده و دعا می‌کنند. همه این اعمال خلاف سیرت سلف صالح اعم از صحابه رسول الله و دیگر پیروان نیکوکار آنان است، بلکه این‌ها بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده است. پیامبر خداص می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الـمهديين من بعدي تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ»[[4]](#footnote-4). «برشماست که سنت مرا وسنت خلفای راشدین مهدبین -رستگاران هدایت کننده- را که پس از من هستند محکم بگیرید و با دندان نگهدارید، و مبادا به آنچه در دین ایجاد می‌شود نزدیک شوید، زیرا هر عمل نو پیدا -در دین- بدعت است و هر بدعتی گمراهی است».

و همچنین پیامبرص می‌فرمایند: «مَنْ أَحْدَثَ فِى أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»[[5]](#footnote-5).

«کسی که در دین ماچیزی ایجاد کند که در آن نیست آن عمل ایجاد شده مردود است». و در روایت دیگری از مسلم آمده است که فرمودند:

«مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرنَا فَهُوَ رَدٌّ». «هر کس عملی انجام دهد که در دین ما نیست آن عملش مردود است».

روایت امام زین العابدین**س**:

باری علی ابن حسینب (امام زین العابدین که از دانشمندترین علمای اهل بیت هستند. مترجم) شخصی را دیدند که کنار قبر پیامبرص دعا می‌کند او را ازاین کار منع کرد و فرمود آیا حدیثی برایت بیان نکنم که از پدرم و پدرم از جدم و جدم از رسول اللهص شنیده است که فرمودند: «لا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيدًا، وَلا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، فَإِنَّ تَسْلِيمَكُمْ يَبْلُغُنِي أَيْنَمَا كُنْتُمْ»[[6]](#footnote-6).

«قبر مرا جای جشن و سرود و خانه‌هایتان را قبرستان قرار ندهید و برمن درود و سلام بفرستید که سلام شما هر جای که باشید به من می‌رسد».

باز هم بدعت:

بعضی زائران هنگام سلام دادن بر رسول اللهص دست راست را روی دست چپ و بر سینه یا پائین‌تر می‌گیرند طوری که گویا به نماز ایستاده‌اند، به این صورت ایستادن و سلام دادن درست نیست، کما اینکه در مقابل کس دیگری اعم از پادشاهان و رهبران و غیره نیز به این شکل ایستادن درست نیست، زیرا این شکل فروتنی و خصوع و عبادت است که جز خدا برای هیچکس دیگری جایز نیست چنان‌که حافظ ابن حجر/ در فتح الباری از علماء نقل کرده است، مسئله در اینجا بسیار روشن است البته برای کسی که دقت کند و هدفش پیروی از راه و روش سلف صالح باشد و اما کسی که تعصب و خواهش نفس و تقلید کورکورانه بر او غالب باشد ونسبت به داعیان به سوی طریقه سلف صالح بدبین باشد کار او را به خدا می‌سپاریم و از خداوند برای خودمان و برای او هدایت و توفیق می‌طلبیم که بتوانیم حق را بر هر چیز دیگری ترجیح دهیم. براستی که آن ذات پاک بهترین سؤال شونده است.

سلام از راه دور:

همچنین بعضی مردم از دور رو به طرف قبر شریف می‌ایستند و لبانشان را می‌جنبانند گویا سلام و دعا می‌خوانند، همه این‌ها از قبیل همان بدعت‌های گذشته است که برای هیچ مسلمانی مناسب نیست که در دین خودش چیزهایی را پدید آورد که خداوند آن را مشروع قرار نداده است،شخصی که چنین عملی انجام می‌دهد گرچه با اخلاص واز روی محبت است اما این کردارش به جفا و بی‌مهری نزدیک‌تر است تا درستی و محبت.

نسخه امام مالک**/**:

امام مالک/ (که تمام عمرش را در مسجد النبی به نشر علم و سنت مشغول بود تا جایی که به امام دارالهجرة معروف است. مترجم) ازاین عمل و امثال آن باز داشته و می‌فرماید: «لن يصلح آخر هذه الأمة إلا ما أصلح أولها». «آخر این امت را إصلاح نمی‌کند مگر آنچه که اول آن را إصلاح کرده است».

و روشن است که آنچه اول این امت را إصلاح کرده حرکت در مسیر منهج نبویص و خلفای راشدین و صحابه مرضیین - کسانی که خداوند از آنان اعلان رضایت وخوشنودی فرموده - و پیروان نیکوکار آنان بوده است پس آخر این امت نیز جز با چنگ زدن به همان منهج و روش و حرکت در همان مسیر إصلاح نخواهد شد.

از خداوند می‌خواهیم که مسلمین را به آنچه که نجات وسعادت و عزت دنیا و آخرتشان در آن است توفیق عنایت فرماید براستی که او عطا کننده و نوازشگر است.

حکم زیارت:

چنان‌که بعضی عوام پنداشته‌اند زیارت قبر پیامبرص نه واجب ونه از شروط حج است فقط برای کسی که به مسجد پیامبر بیاید یا نزدیک آن باشد زیارت قبر حضرتشص مستحب است، اما کسی که از مدینه دورباشد جایز نیست که فقط به قصد زیارت قبر شریف به مدینه سفر کند،بله به قصد مسجد شریف سفر کردن مسنون است، وقتی به مسجد رسید قبر شریف حضرتص و قبر دو صحابی ایشان، أبوبکرصدیق و عمر فاروقب که در کنار حضرت دفن هستند را زیارت کند پس زیارت قبر ایشانص و قبر دو صحابی عزیزشان تابع زیارت مسجد ایشان است. زیرا در صحیحن ثابت شده که پیامبرص فرمودند «لا تُشدالرجال إلا إلى ثلاثة مساجد» «شدّ رحال - یعنی سفر مخصوص به نیت عبادت - جایز نیست مگر به سه مسجد: مسجد الحرام، و این مسجد من ومسجد أقصى».

اگر شد رحال به قصد زیارت قبر خود ایشان÷ با قبر غیر ایشان جایز می‌بود حتما امت را به آن راهنمای می‌فرمود و فضیلت آن را بیان می‌نمود زیرا ایشان از هر کس دیگری برای امت‌شان خیر خواه‌تر و به پروردگارشان داناتر بودند و خوف‌شان از خدا از همه بیشتر بود، ایشان بطور کامل و آشکار دین را بیان فرمود و رسانده‌اند، امتشان را به هر خیری راهنمای فرموده و از هر شری برحذر داشته‌اند.

چگونه می‌تواند چنین اعمالی درست باشد درحالیکه ایشان جز سه مسجد مشخص از هرگونه سفر مخصوص دیگری به قصد عبادت برحذر داشته‌اند و فرموده‌اند: «لا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيدًا، وَلا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، فَإِنَّ تَسْلِيمَكُمْ يَبْلُغُنِي أَيْنَمَا كُنْتُمْ». «قبر مرا جای جشن و شادی و خانه‌هایتان را قبرستان قرار ندهید و بر من درود بفرستید که درود شما هرجایی که باشید به من می‌رسد».

شخصیت‌پرستی:

صحبت از مشروع بودن شد رحال برای زیارت قبر حضرتشص منجر به این می‌شود که قبر ایشان «عید» (جای شادی و خرسندی) قرارگیرد، و همان چیزی که پیامبرص از آن ترس داشتند یعنی غلو و شخصیت پرستی واقع گردد، چنان‌که عملاً بسیاری از مردم در آن واقع شدند چون اعتقاد داشتند که برای زیارت قبر حضرتشص سفر مخصوص جایز است.

و اما احادیث و روایاتی که در این باب مورد استدلال کسانی قرار گرفته که سفر مخصوص برای زیارت قبر حضرتشص را جایز می‌دانستند همه احادیث ضعیف بلکه موضوعی است که چنان‌که محدثین از قبیل دارقطنی، بیهقی، حافظ بن حجر وغیره، این ضعف را بیان کرده‌اند، بنابراین درست نیست که این احادیث ضعیف را در مقابل احادیث صحیحی قرار دهیم که بر حرام بودن شد رحال جز به مساجد سه‌گانه دلالت صریح و آشکار دارند.

روایات جعلی:

خواننده عزیز! اینک چند نمونه از احادیث جعلی و دروغین وساخته شده را در این باب گوشزد می‌کنیم تا اینکه فریب آن‌ها را نخورید و از آن‌ها بپرهیزید:

**اول** «کسی که حج کند و مرا زیارت نکند با من جفا کرده است». «من حج ولم يزرني فقد جفاني».

دوم: «کسی که پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در حیاتم مرا زیارت کرده است» «من زارني بعد مماتي فكأنما زارني في حياتي».

سوم: «کس که مرا و پدرم ابراهیم را در یک سال زیارت کند نزد خدا برای او ضمانت بهشت می‌کنم». «من زارني وزار أبي ابراهيم في عام واحد ضمنت له على الله الجنة».

چهارم: «کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعت من بر او واجب می‌گردد». «من زار قبري وجبت له شفاعتي».

رأی محققین:

این روایات و امثال این‌ها از پیامبرص ثابت نشده است. حافظ بن حجر در تلخیص پس از آنکه اکثر این روایات را ذکر کرده می‌فرماید: «طرق هذه الروايات كلها ضعيفة» «سند همه این روایات ضعیف است».

حافظ العُقیلی می‌فرماید: «لا يصلح في هذا الباب شئ» «در این موضوع هیچ روایتی ثابت نیست».

شیخ الإسلام ابن تیمیه/ با قاطعیت می‌فرماید: «همه این احادیث جعلی است». «هذه الأحاديث كلها موضوعة» وشما می‌دانید که دائره علم و حفظ و آگاهی شخصیتی همچون شیخ الإسلام چقدر گسترده است.

پایان

و انگهی اگر چیزی در این باره ثابت مى بود صحابه رضوان الله علیهم أجمعین پیش از بقیه مردم به آن عمل می‌کردند و آن را برای امت بیان می‌نمودند، امت را به سوی آن دعوت می‌دادند، زیرا پس از پیامبران‡ آنان بهترین و عالم‌ترین انسان‌ها بودند و قوانین خدا و آنچه برای بندگانش مشروع قرار داده را از همه کس بهتر می‌دانستند و از هر کس دیگری برای امت در تبلیغ دین خدا خیر خواه‌تر بودند، وقتی از آن‌ها چیزی در این باب نقل نشده خود دلیل است که این عمل جایز نیست بر فرض اگر چیزی هم در این زمینه آمده باشد آن را باید به زیارت مشروع حمل کرد که در آن شدرحال و سفر مخصوص به قصد زیارت قبر نیست، تا اینکه بین احادیث جمع شده باشد. و خداوند پاک و متعال داناتر است.

1. - حدیث در صحیح مسلم است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - حدیث در مسند احمد و صحیح ابن خزیمة و صحیح ابن حبان است. [↑](#footnote-ref-2)
3. - حدیث در مسند احمد و سنن ابن ماجه است. [↑](#footnote-ref-3)
4. - روایت در أبو داود و نسائی با اسناد حسن است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - روایت در بخاری و مسلم است. [↑](#footnote-ref-5)
6. - روایت از حافظ محمد بن عبدالواحد مقدس است که در کتابش «المختارة» آورده است. [↑](#footnote-ref-6)